

مسئولیت کیفری اشخاص در استفاده از تسلیحات شیمیایی از منظر حقوق بین‌الملل

محمد رضا میرزایی^۱

چکیده

استفاده از سلاح‌های شیمیایی یکی از سیاه‌ترین برگ‌های تاریخ جنگ است؛ امری که به خودی خود نیز فجیع، دلهره‌آور و تأثیر برانگیز است. سلاح‌های شیمیایی تنها سلاح‌های جنگی هستند که به دلیل ماهیت غیر انسانی و وحشیانه بودن این‌گونه سلاح‌ها از قرن‌ها پیش استفاده می‌شده و آنچه باعث تأثیر بیشتر نسبت به این فاجعه می‌شود، تعلل جامعه بین‌المللی در اقدام مؤثر علیه این جنایت ننگین یا حداقل محکوم کردن آن است. اینکه جامعه بین‌المللی تا به این حد در برابر جنایتکاران جنگی از خود، ناتوانی نشان می‌دهد، بسیار جای تأسف است. این مقاله قصد دارد که رژیم حقوقی حاکم بر منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی را ارزیابی کرده و به طور گذرا نشان دهد که واکنش‌های جامعه بین‌المللی در قبال آن چه بوده است. همچنین بیان خواهد شد که بر اساس قواعد حقوقی موجود در زمان جنگ، موارد استفاده از سلاح‌های شیمیایی تا چه میزان می‌تواند موجب مسئولیت کیفری بین‌المللی برای آمران و عاملان این فجایع تلقی شود و چه قراردادهایی برای ممنوع کردن آن شکل گرفته و همچنین میزان مجازات مرتکبین آن را بر اساس قانون دادگاه کیفری بین‌الملل مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه‌ها: مسئولیت کیفری، تسلیحات شیمیایی، حقوق بین‌الملل، مخاصمات مسلحانه، جامعه بین‌الملل.

۱. دانش‌پژوه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی ص العالمیه نمایندگی خراسان.

معاهدات حقوق بشر دوستانه، معاهداتی بین‌المللی هستند که دولت‌ها را در برابر یکدیگر متعهد می‌نمایند تا به مواد گنجانده شده در معاهده پایبند بوده و در نتیجه، حقوق و تکالیف مندرج در این دست از معاهدات در وهله اول متوجه دولت‌های طرف معاهده است. یعنی استفاده از سلاح‌های شیمیایی آن هم در مخاصمات بین‌المللی: رفاً منجر به مسئولیت کیفری عاملان این جرایم نمی‌شود، بلکه پای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در رابطه با یکدیگر و در رابطه با قربانیان هم به میان می‌آید. بنابراین اگر یکی از دول عضو معاهده، در برابر دولت دیگر که عضو معاهده است، از رعایت تعهدات مندرج، سرباز زند، مرتکب تخلف بین‌المللی شده است و دولت زیان دیده می‌تواند علیه دولت متخلف اقدام دعوی مسئولیت بین‌المللی در مراجع بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری کرده و با اثبات ارکان مسئولیت، خواهان جبران خسارات وارده بر کشور و ملت خود شود. بسیاری از حقوقدانان بر این عقیده هستند که معاهدات حقوق بشر دوستانه، حقوقی با ماهیت دوگانه اعطا می‌نمایند؛ این حقوق، هم نسبت به افراد حمایت شده و هم نسبت به دولتی که آن‌ها تابع آن هستند، تضمین می‌شود. (قربان‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۱۵) در نتیجه، نه تنها دولت متبوع قربانیان؛ بلکه خود قربانیان نیز جهت پیگیری حقوق خود می‌توانند اقدام نمایند و از طریق مراجع ملی، پیگیر جبران حقوق از دست رفته خود شوند. بنابراین اگر دولت متبوع آن‌ها در حمایت از اتباع خود کوتاهی کند، قربانیان می‌توانند از طریق محاکم ملی دولت‌های ثالث جهت جبران این حقوق اقدام نمایند.

یکی از معاهدات بین‌المللی، ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است که برای اولین بار در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مبنی بر منع کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی و گازهای دیگر و استفاده از شیوه‌های میکروبی در جنگ، به رسمیت شناخته شد. ضمن اینکه کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان، مصداق جنایات جنگی است. در نتیجه نه تنها بحث مسئولیت حقوقی دولت، بلکه مهم‌تر از آن، بحث مسئولیت کیفری افراد و عاملان این جنایات نیز مطرح است.

مقاله پیش رو به بحث و بررسی پیرامون تاریخچه، آثار، مسؤولیت کیفری و همچنین مجازات‌هایی که از سوی دادگاه کیفری بین‌المللی برای عاملان استفاده از تسلیحات شیمیایی در نظر گرفته است، می‌پردازد.

۱. تاریخچه استفاده از سلاح‌های شیمیایی

هرچند که مواد سمی و کشنده حتا در جنگ‌های باستان برای ازپا در آوردن دشمن مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی به شکل مُدرن آن، درجنگ جهانی اول رخ داد؛ جنگی که بزرگ‌ترین سابقه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در تاریخ جنگ‌های بشر را به خود اختصاص داده است. دراین جنگ برای اولین بار ارتش آلمان با استفاده از کپسول‌های محتوی گاز خفه‌کننده کُلر هزاران نفر از سربازان متفقین را در جبهه مخالف از پای درآورد.

علی‌رغم وجود برخی معاهدات و اسناد الزام‌آور، تقریباً تمامی دولت‌های بزرگ درگیر در این جنگ، به نحوی نسبت به تولید، انباشت یا استفاده از این سلاح‌ها اقدام کردند. تلفات مرتبط با سلاح‌های شیمیایی در جنگ جهانی اول، بیش از یک میلیون نفر برآورد شده است. (شریفی، ۱۳۹۵: ۱۳۱)

در پی این جنگ بزرگ جهانی و تلفات گسترده آن، فعالان جامعه بین‌المللی و بسیاری از ناظران نگران آن بودند که سلاح شیمیایی به صورت جنگ‌افزار نهایی درآید، زیرا امکانات استفاده از مواد شیمیایی به قدری گسترده بود که هر کشور کوچک یا بزرگ، عقب مانده یا پیشرفته اگر خود را از این امکانات و آثار آن محروم کند، تنها به آسیب‌پذیری خویش در برابر خطرات افزوده است. (داگلاس، ۱۹۸۸: ۹) به همین جهت به این فکر افتادند که سازوکار حقوقی مناسبی برای برخورد با مسئله سلاح‌های شیمیایی ایجاد کنند. نخستین بار، قرارداد بین‌المللی برای محدودسازی سلاح‌های شیمیایی بین آلمان و فرانسه در سال ۱۶۷۵م. در شهر «استراسبورگ» امضا شد و پس از آن، این قرارداد در سال ۱۸۷۴م. کنوانسیون «بروکسل» در مورد «حقوق و قوانین جنگ» امضا شد. در سال ۱۸۹۹م. کنفرانس بین‌المللی صلح در «لاسه» برگزار شد که در آن به ممنوعیت استفاده از پرتابه‌های جنگی محتوی گازهای سمی تصریح شده است.

اما مهم‌ترین سندی که در این خصوص تدوین و امضا شد، قرارداد ۱۹۲۵ «ژنو» در دهه ۱۹۸۰م. می‌باشد که قرارداد «منع استفاده از گازهای سمی و خفه‌کننده و سایر گازها در جنگ و روش‌های نبرد باکتیریولوژیک» نام دارد. (مدرس، ۱۳۹۵: ۱۳۱)

در مقدمه قرارداد ۱۹۲۵م. ژنو اشاره شده که استفاده از گازهای خفه‌کننده و سمی و همچنین تمامی مایعات و مواد و تجهیزات مشابه، از سوی وجدان عمومی جهان متمدن محکوم شده و برخی از قدرتهای بزرگ نیز در جنگ‌های میان خود، استفاده از این

گازها و تجهیزات را ممنوع کرده‌اند و این ممنوعیت باید به نحو فراگیر در حقوق بین‌الملل پذیرفته شود...». بر این اساس، دولت‌های متعهد اعلام کردند که اگر ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی را به موجب معاهدات دیگر نپذیرفته‌اند، به موجب پروتکل ژنو می‌پذیرند.

البته باید توجه داشت که قرارداد ۱۹۲۵ م. ژنو: رفاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در زمان جنگ ممنوع کرده و هیچ مقرره خاصی در ارتباط با ممنوعیت تحقیقات، توسعه، تولید، آزمایش و نگهداری این تسلیحات ندارد. (شریفی، ۱۳۹۵: ۱۳۱)

همچنین پروتکل مزبور، فاقد هرگونه نظام بازرسی برای تضمین اجرای آن توسط دولت‌های عضو است. حتی دولت‌ها در قالب ائتلاف‌های راهبردی، خود را مجاز به تجارت این تسلیحات با متحدان خود می‌دانند. قرارداد ژنو عملاً تنها تا زمانی مؤثر و کارآمد بود که طرفین مخاصمه، تصمیم به استفاده از سلاح‌های شیمیایی و باکتریولوژیک نمی‌گرفتند و به محض کاربرد این سلاح‌ها توسط یکی از طرفین، طرف دیگر نیز، خود را ملزم به ممنوعیت‌های آن نمی‌دانست. به تعبیر دیگر، تنها تعهد حقوقی که دولت‌ها به موجب پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در عمل پذیرفتند این بود که در صحنه نبرد، بدو از سلاح‌های شیمیایی استفاده نکنند.

با این حال، دولت‌ها حتی در پذیرفتن همین تعهدات حداقلی هم دچار تردید بودند، زیرا اولاً دولت‌ها سعی داشتند که میان نبردهای بین‌المللی و غیربین‌المللی از این حیث تفاوت قائل شوند. ثانیاً تأکید زیادی داشتند که علیه طرف متخاصمی از سلاح شیمیایی استفاده کنند که خود را به مقررات پروتکل ژنو مقید نمی‌داند.

علاوه بر این، دولت‌ها تلاش داشتند تا حوزه شمول پروتکل ۱۹۲۵ ژنو را به گازهای خاص محدود کنند. به طور مشخص در ارتباط با استفاده از گازهای ویژه‌ی مقابله با شورش‌های شهری، معمولاً دولت‌ها معتقد بودند که کاربرد این گازها در قالب پروتکل ژنو ممنوع نیست. البته بعداً این قاعده به عنوان یک قاعده عرفی و معاهده‌ای حقوقی مخاصمات مسلحانه شناسایی شد که استفاده از این گازها صرفاً در شورش‌های داخلی مجاز است.

همچنین در خصوص مجازبودن استفاده از علف‌کش‌های شیمیایی به موجب پروتکل ژنو نیز اختلاف نظرهایی وجود داشته است. به طور کلی می‌توان گفت رژیم‌هایی که تحت

پروتکل ۱۹۲۵ ژنو طراحی شده بود، اولاً به واسطه فقدان قاعده‌ای در خصوص محدودیت یا ممنوعیت تولید و انباشت سلاح‌های شیمیایی و ثانیاً به واسطه عدم قطعیتی که ظاهراً در خصوص ممنوعیت کاربرد این سلاح‌ها وجود دارد، نتوان است مانع کاربرد تسلیحات شیمیایی توسط رژیم‌های استفاده کننده شود.

۱.۱. برنامه تسلیحاتی عراق و استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ علیه ایران

یکی از کشورهایی که در دوران معاصر از تسلیحات شیمیایی استفاده کرد، رژیم بعث عراق بود که در جنگ تحمیلی علیه ایران با استفاده از سلاح‌های شیمیایی عده زیادی را به شهادت رساند. می‌توان گفت این اقدام، گستاخانه‌ترین و غیر انسانی‌ترین اقدام عراق در صحنه جنگ محسوب می‌شود. (یکتا، ۱۳۸۴: ۴۷) برنامه تسلیحات شیمیایی عراق با انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد؛ اما مطابق اعلام مقامات دولت این کشور، فعالیت‌های گسترده رژیم بعث در ارتباط با تولید سلاح‌های شیمیایی در مقیاس صنعتی، تأمین و تولید مواد اولیه و همچنین اجزاء و تجهیزات مرتبط با این تسلیحات، عمدتاً در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ انجام گرفت. (شریفی، همان) اطلاعاتی که دولت عراق به بازرسان سازمان ملل متحد ارائه کرد، حکایت از آن دارد که بیش از ۵۰٪ کل زرادخانه سلاح‌های شیمیایی این کشور در دهه ۱۹۸۰ استفاده شده است.

دولت عراق بدواً به هیچ وجه امکان تولید مواد و تجهیزات لازم را برای توسعه برنامه تسلیحاتی خود نداشت، لذا ناچار بود که بخش زیادی از این مواد و تجهیزات را از منابع خارجی تأمین کند. به عنوان مثال، برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که عراق در اوایل دهه ۱۹۸۰ بیش از هزار تن عامل خردل از کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده وارد کرده است. (مدرس، همان) همچنین در همین برهه، برخی از شرکت‌های صنایع شیمیایی خارجی با آگاهی از سوابق و نقشه‌های رژیم بعث عراق، مقادیر زیادی از مواد و تجهیزات دارای کاربری دوگانه را به شرکت‌های تولید کود کشاورزی در عراق فروختند.

علاوه بر تهیه مواد شیمیایی از فروشندگان خارجی، طبق اطلاعاتی که عراق در اختیار بازرسان سازمان ملل متحد قرار داده، بخش عمده تجهیزات هم که این کشور در دهه ۱۹۸۰ برای تولید سلاح به کار برده، از منابع خارجی تأمین شده است به نحوی که

تأسیسات و کارخانجات تولید تسلیحات کشتار جمعی در عراق، عمدتاً به طور کامل بر تجهیزات خریداری شده از شرکت‌های خارجی مبتنی بوده‌اند.

گزارشی که هیئت کارشناسان اعزامی دبیرکل وقت سازمان ملل متحد در حین جنگ تهیه کرده با جزئیات بیشتر به این موضوع پرداخته است. این هیئت کارشناسی برای بررسی ادعای استفاده از تسلیحات شیمیایی:

اولاً مصاحبه‌هایی را با مقامات ایران ترتیب داده است.

ثانیاً بازدیدهایی از مناطق جنگی به عمل آورده و نمونه‌هایی از خاک آلوده به عوامل شیمیایی را در این مناطق جمع‌آوری و آزمایش کرده است.

ثالثاً مجروحین شیمیایی جنگ را در بیمارستان‌های تهران و اهواز معاینه کرده و مصاحبه‌هایی با آنها انجام داده است.

رابعاً گزارش دولت انگلستان از وضعیت برنامه تسلیحاتی عراق، حکایت از آن دارد که عراق در دهه ۱۹۸۰ و در اوج فعالیت‌های تسلیحاتی خود، انواع مختلف عوامل شیمیایی شامل عوامل تاول‌زا (گاز خردل) و عوامل اعصاب (گاز توبان، گاز سارین و گاز وی ایکس) را تولید کرده و از آن در جنگ علیه ایران استفاده نموده است. در ادامه به انواع و آثار مخرب این گازها به طور خلاصه اشاره می‌شود:

۲. آثار عوامل شیمیایی بر قربانیان

بررسی وضعیت قربانیان و مجروحین ناشی از تسلیحات شیمیایی، بیانگر وجود آثار مخرب و آسیب‌های بسیار شدید جسمی و روانی روی افرادی است که در ادامه به نمونه‌های از آن اشاره می‌شود:

۲.۱. گاز خردل

عامل خردل به شکل مایع تولید می‌شود که می‌تواند بخارات سمی در محیط منتشر کند. قرارگرفتن در معرض بخار خردل باعث سوزش و تاول در پوست می‌شود. تنفس بخار سمی خردل باعث آسیب به مجاری تنفسی می‌شود. مصرف خوراکی آن، تهوع و اسهال شدید ایجاد می‌کند. خردل می‌تواند به چشم‌ها، غشای مخاطی، ریه، پوست و سیستم خون‌سازی بدن، آسیب جدی وارد کند.

۲.۲. گازهای توبان، وی ایکس و سارین:

همه این گازها عوامل اعصاب محسوب می‌شوند که گاز «وی ایکس» از بقیه سمی‌تر است. قرار گرفتن در معرض این گازها باعث می‌شود که فرد مکرراً دچار گرفتگی (اسپاسم) عضلانی شده و نهایتاً به طور کامل فلج شود. تنها وجود ده میلی‌گرم وی ایکس بر روی پوست، به مرگ فوری قربانی منجر می‌شود. بنا به نوشته برخی منابع، سربازانی که در معرض عامل اعصاب قرار داشتند، دچار حملات عصبی (هیستریک) و تشنج شده و در بعضی موارد، فریادها یا خنده‌های ممتد آن‌ها آن قدر ادامه یافته که نهایتاً به بیهوشی و مرگ افراد منجر شده است.

۲.۳. گاز سیانید:

یکی از خطرناک‌ترین عوامل شیمیایی مورد استفاده در جنگ ایران و عراق، «سیانید» است که تماس با آن باعث احساس خفگی در قربانی می‌شود. دو یا سه مرتبه تنفس این گاز، مرگ حتمی قربانی را به دنبال خواهد داشت. گاز سیانید به میزان جزئی از ماسک‌های مورد استفاده سربازان ایرانی عبور می‌کرد. تنفس این میزان جزئی از گاز سیانید ممکن است باعث مرگ نشود، اما درد و رنج بسیار شدیدی را در قربانی ایجاد می‌کند.

بر اساس گزارشی که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا) آن را تهیه کرده و بخش‌هایی از آن از حالت محرمانه خارج شده است، علاوه بر تأیید استفاده از گازهای خردل و اعصاب توسط عراق، نشان می‌دهد که نیروهای عراقی در سال‌های پایانی جنگ (۱۹۸۸-۱۹۸۶) از گاز سیانید هم علیه مواضع نظامیان ایران و حتی غیر نظامیان استفاده کرده‌اند، که از جمله حمله شیمیایی نیروهای عراق به حلبچه که تحت عنوان «عملیات انفال» صورت گرفت، به طور خاص جلب توجه می‌کند. (شریفی، همان: ۱۳۹)

حلبچه یک روستای گُردنشین عراق در نزدیکی مرز ایران بود که در ۱۵ مارس ۱۹۸۸ طی یک عملیات نظامی تحت کنترل نیروهای ایرانی در آمد. هنگامی که حلبچه به تصرف نیروهای ایران درآمد، گفته می‌شد که جدایی‌طلبان کُرد در این منطقه به نیروهای مهاجم ایرانی کمک کردند. ارتش عراق به تلافی این اقدام کُردها، با بمب‌های مجهز به عامل شیمیایی خردل و سیانید به حلبچه حمله کرد. بررسی‌ها حاکی از آن است که طی این حملات هوایی، بین پنج تا هشت هزار نفر در حلبچه کشته شدند.

اسنادی که نظامیان ایالات متحده در جریان اشغال عراق بعد از سال ۲۰۰۳ به دست آوردند، هیچ تردیدی در منظم بودن این حملات باقی نمی‌گذارد. بنا به یکی از گزارش‌های سازمان دیده‌بان حقوق بشر، ابعاد عملیات انفال چنان گسترده بود که می‌توان عناصر جنایت نسل‌کشی را در آن جستجو کرد، زیرا براساس ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، جرم نسل‌کشی در صورتی تحقق پیدا می‌کند که مرتکب یا مرتکبین، یکی از اعمال زیر را انجام دهد:

أ) کشتن اعضای یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی.

ب) ایراد صدمه شدید جسمانی یا روانی به اعضای گروه.

ج) تحمیل عمدی شرایط زیستی نامناسب بر گروه برای اینکه منتهی به زوال جزئی یا کلی آن شود.

د) انجام اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل بین گروه.

هـ) انتقال اجباری اطفال گروه به گروه دیگر. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۹۰)

ضمن اینکه اساسنامه فوق، در ماده هشتم بندهای ۱۷ و ۱۸ به‌کارگیری سلاح‌های مسموم‌کننده و به‌کارگیری گازهای مهلک، سمی یا گازهای دیگر و تمامی مایعات مواد یا ابزار مشابه را مصداق جنایت جنگی بیان می‌کند.

بر اساس مطالعه اسناد و گزارش‌های فوق، می‌توان نتیجه گرفت که نیروهای نظامی عراق در جریان جنگ علیه هدف‌های نظامی و غیرنظامی در ایران طی سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۴ به دفعات از انواع مختلف سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده و بر مبنای دلایل فوق در بررسی حقوقی می‌توان به‌طور قطع ادعا کرد که استفاده از این تسلیحات در آبادان، فاو و کرکوک علیه نیروهای نظامی و همچنین در اشنویه و سردشت علیه مناطق شهری فاقد استحکامات دفاعی، مصداق بارز نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت تحقق یافته است.

۳. مسؤلیت کیفری عاملان استفاده از تسلیحات شیمیایی

در حوزه حقوق کیفری و احراز مسؤلیت فردی بانیان و مرتکبین جنایات بین‌المللی باید به چند اصل مهم توجه شود:

اولاً مسؤلیت بین‌المللی دولت و مسؤلیت کیفری فردی با یکدیگر منافاتی نداشته و قابل جمع هستند. بند چهارم ماده ۲۵ معاهده مؤسسه دیوان بین‌المللی کیفری (اساسنامه روم: ۱۹۹۸) مقرر می‌دارد که: «هیچ یک از مفاد این اساسنامه در ارتباط با مسؤلیت

کیفری فردی، تأثیری در مسئولیت دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل نخواهد داشت»، لذا مسئولیت کیفری دولت عراق در ارتباط با جنگ علیه ایران و خسارت ناشی از نقض قواعد بین‌المللی حاکم بر مخاصمات، قابل بررسی است.

ثانیاً به طور متقابل، مسئولیت بین‌المللی دولت نیز هیچ تأثیری در مسئولیت کیفری فردی مرتکبین جنایات بین‌المللی ندارد. (مدرس، همان: ۱۴۱) مثلاً پس از جنگ جهانی دوم، دادگاه نظامی که برای رسیدگی به جنایات سران نازی در نورنبرگ تشکیل شد، با این ادعا مواجه بود که در صورت اثبات اتهام سران نازی، دولت آلمان باید جوابگو باشد. یعنی مسئولیت بین‌المللی صرفاً متوجه دولت قرارگیرد. دادگاه ضمن رد این ادعا، در فراز مشهوری از رأی مقرر داشت: «جنایات علیه حقوق بین‌الملل، توسط افراد انسانی ارتکاب می‌شود، نه توسط اشخاص انتزاعی [از قبیل دولت] و تنها از طریق مجازات افرادی که مرتکب جرایم مذکور شده اند می‌توان اجرای قواعد حقوق بین‌الملل را تضمین کرد...». ثالثاً اجرای اصل قانونی بودن جرم در حقوق بین‌الملل، با اجرای این اصل در حقوق داخلی متفاوت است. در این مورد نیز رویه دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ جلب توجه می‌کند؛ متهمین در نورنبرگ (به ویژه در ارتباط با جنایات علیه صلح) ادعا می‌کردند که در وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل، هیچ سندی برای مسئولیت کیفری فردی آمران و عاملان جنگ تجاوزکارانه وجود نداشته و تمامی اسنادی که در آن زمان راجع به ممنوعیت جنگ تهیه شده؛ رفاً متوجه روابط خارجی دولت‌ها بوده است. دادگاه نظامی نورنبرگ ضمن رد این ادعا، چنین اظهارنظر کرده است:

«قاعده کلی قانونی بودن جرم، محدودیتی بر (اختیارات قضایی) حاکمیت تلقی نمی‌شود، بلکه قانونی بودن جرم، یکی از اصول عمومی عدالت است (و باید در خدمت تأمین عدالت باشد) در مورد کسانی که بدون اعتنا به معاهدات و تضمین‌های موجود و بدون هشدار قبلی به خاک کشور همسایه حمله می‌کنند نمی‌توان (با استناد به اصل قانونی بودن جرم) گفت مجازات آن‌ها ناعادلانه است؛ نه تنها مجازات چنین افرادی ناعادلانه نیست، بلکه اتفاقاً بدون مجازات ماندن این اعمال، خلاف عدالت خواهد بود».

با توجه به مطالب فوق، نسبت به امکان جرم‌انگاری و مجازات عاملان و آمران استفاده از سلاح‌های شیمیایی به موجب حقوق بین‌الملل، تردیدی وجود ندارد. همان گونه که قبلاً اشاره شد، ممنوعیت کاربرد این سلاح‌ها در دهه ۱۹۸۰ با استناد به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو کاملاً محرز بود. مجمع عمومی ملل متحد در چندین موقعیت مختلف صراحتاً

اشاره کرده که ممنوعیت کاربرد روش‌ها و سلاح‌های شیمیایی مطابق پروتکل ژنو، بخشی از قواعد عموماً شناخته شده حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود که شدیداً آن را محکوم کرده و گاهی آن را خلاف هنجارهای پذیرفته شده تمدن دانسته است.

۴. پذیرش ممنوعیت استفاده از تسلیحات شیمیایی در دیگر کشورها

مطالعه رویه بین‌المللی دولت‌ها نشان می‌دهد که کاربرد این تسلیحات در بسیاری از قوانین داخلی کشورها به صراحت، ممنوع و جرم‌انگاری شده است که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

بلغارستان:

قانون مجازات (اصلاحات ۱۹۶۸) ماده (۱) ۴۱۵: هر شخصی که خلاف قواعد حقوق بین‌الملل در مخاصمات، از سلاح‌های شیمیایی استفاده کند یا دستور استفاده از این سلاح‌ها را بدهد، مرتکب جنایات جنگی شده است.

چین: قانون محاکمه جنایتکاران جنگی (۱۹۴۶) ماده (۱۲) ۳: استفاده از گازهای سمی جنایت جنگی به شمار می‌رود.

کلمبیا: قانون اساسی (۱۹۹۱) ماده ۸۱: تولید، واردات، در اختیار داشتن و استفاده از سلاح‌های شیمیایی ممنوع است.

اکوادور: قانون ملی مربوط به مجازات و پلیس شهری (۱۹۶۰) ماده ۱۱۷/۴ نیروهای نظامی و انتظامی که از گازهای خفه کننده یا سمی استفاده کنند، به موجب قانون مجازات خواهند شد.

مجارستان: قانون مجازات (اصلاحات ۱۹۷۸) بخش ۱۶۰/الف: به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و تجهیزات جنگی مرتبط با آن جنایت جنگی محسوب می‌شود.

ایتالیا: دستورالعمل مربوط به قواعد جنگ (اصلاحات ۱۹۳۸) ماده ۵۱: استفاده از گازهای خفه کننده، سمی و گازهای مشابه، مطابق مقررات بین‌المللی قابل اعمال، ممنوع است.

هلند: احکام مربوط به جنایات جنگی (۱۹۴۶) ماده ۱: استفاده از گازهای آسیب‌زا و خفه کننده در شمار جنایات جنگی است.

چنانکه ملاحظه شد کشورهای زیادی استفاده از سلاح شیمیایی را ممنوع دانسته و آن را جرم‌انگاری نموده‌اند. به مناسبت باید گفت هرچند که دولت ایران و عراق به معاهده بین‌المللی منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی پیوسته است، ولی هیچ کدام قاعده

مشخصی در قوانین داخلی خود نسبت به این موضوع تدوین نکرده‌اند. (شریفی، ۱۳۹۵: ۱۴۴) البته با توجه به ماده ۹ قانون مدنی می‌توان ادعا کرد که مقررات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در زمان جنگ ایران و عراق، در حکم قانون داخلی ایران بوده و چیزی بیش از این مقررات در قوانین داخلی ایران یافت نمی‌شود.

۵. مجازات

بر اساس ماده ۷۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در مورد شخصی که مرتکب یکی از جرایم نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی شود، می‌تواند وی را به یکی از مجازات‌ها زیر محکوم نماید:

أ) حبس برای یک دوره چندساله مشخص که نمی‌تواند بیش از ۳۰ سال باشد.
ب) حبس ابد در صورتی که شدت جرم ارتکاب یافته و شرایط فردی شخص محکوم چنین مجازاتی را توجیه نماید.

علاوه بر حبس دادگاه می‌تواند مجازات‌های ذیل را نیز حکم دهد:

۱. پرداخت جریمه بر معیارهای مقرر شده در اصول داخلی و اثبات ادله دعوا.
۲. جبران خسارت از درآمد، ملک یا دارایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از ارتکاب جرم حاصل شده باشد بدون آنکه به حقوق اشخاص ثالث بی‌گناه آسیبی وارد شود.

لازم به ذکر است بر اساس ماده ۷۸ اساسنامه، دادگاه مکلف است در تعیین مجازات طبق اصول داخلی و ادله اثبات دعوا، عواملی چون میزان و شدت جرم و شرایط فردی شخص محکوم را در نظر گرفته و در تحمیل مجازات حبس باید در صورتی که مطابق حکم دادگاه اگر شخص قبلاً مدتی را در بازداشت سپری کرده، از مدت دوران حبس وی کم کند؛ اما اگر شخص به بیش از یک جرم محکوم شده باشد، دادگاه باید مجازات جداگانه برای هر جرم و یک مجازات کلی را که مشخص کننده مجموع دوران حبس باشد اعلام نماید. این دوران نباید کمتر از طولانی‌ترین مجازاتی که جداگانه برای هر جرم تعیین شده و نباید از مدت ۳ سال حبس یا حبس ابد طبق بند(ب) (۱) ماده ۷۷ تجاوز نماید.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از تسلیحات شیمیایی در جریان جنگ، علیه مواضع نظامی یا غیر نظامی یکی از مواردی است که سابقه دیرینه در تاریخ بشر داشته و قطعاً خلاف تعهدات بین‌المللی و مخاصمات مسلحانه می‌باشد، زیرا با توجه به ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌الملل، به‌کارگیری تسلیحات شیمیایی، نوعی نسل‌کشی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت محسوب شده و علاوه بر مسؤولیت کیفری دولتی که دارد، مسؤولیت فردی را نیز به دنبال خواهد داشت، به همین جهت جامعه جهانی را بر آن داشت تا با تصویب اسنادی به منع استفاده از آن پرداخته و عاملان و آمران آن را در دادگاه بین‌المللی محاکمه و مجازات نماید.

زیرا اولاً با توجه به اینکه امروزه تنها نهاد کیفری بین‌الملل دموکراتیک در سطح جهان، دیوان کیفری بین‌الملل می‌باشد (امامی، ۱۳۹۷، ۱۵۳) به همین جهت رسیدگی به پرونده‌های که در آن از تسلیحات شیمیایی استفاده شده به عهده دادگاه کیفری بین‌الملل است. ثانیاً بدون کیفر ماندن جانباختگان این گونه جنایات که مورد توجه جامعه بین‌الملل است، خلاف اصول عدالت می‌باشد. بنابراین اگر دادگاه بین‌المللی حائز صلاحیت بتواند به موضوع رسیدگی کند، طبیعتاً نباید در بحث قانونی بودن جرم و مجازات با مشکل خاصی روبه‌رو شده و مرتکبین چنین جنایاتی را مجازات نماید، زیرا بر اساس بند ۱۸ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری، هر سلاح شیمیایی نوعی سلاح سمی محسوب شده و رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان کیفری بین‌الملل قرار دارد.

لازم به ذکر است که در جرایم بین‌المللی، تنها راه اجرای عدالت، کیفر دادن مجرمین نیست، بلکه برای قربانیان، جبران خسارت حقوق از دست‌رفته‌شان بسیار مهم است. یک قربانی کاربرد سلاح شیمیایی، آثار سوء سلاح‌های شیمیایی را تا پایان عمر به همراه خواهد داشت. درمان آثار سوء، هیچ‌گاه به طور قطع امکان‌پذیر نیست و وی باید هزینه‌های بالای درمانی را متحمل شود. اگر اعتقاد به ممنوعیت استفاده از چنین سلاح‌هایی به دلیل ایراد درد و رنج بیش از حد وجود دارد و اگر استفاده از چنین سلاح‌هایی مصداق جنایات جنگی است، تنها نباید به مجازات نمودن عاملان این جرایم بسنده شود، بلکه باید اجرای عدالت به معنای عام کلمه و جبران خسارت از قربانیان نیز در دستور کار قرار گیرد تا ذره‌ای از آلام قربانیان التیام یابد.

منابع و مأخذ:

- اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، ۱۹۹۸م.
- امامی، امید(۱۳۹۷)، کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی و امکان تعقیب کیفری مرتکبین در آی سی سی، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، ش ۵.
 - داگلاس، جوزف(۱۹۹۸م)، جنگ شیمیایی مخوف‌تر و شوم‌تر از جنگ شیمیایی، فصلنامه Global Affairs، ش ۱۰، انتشارات شورای امنیت.
 - شریفی طراز کوهی، حسین و ساسان مدرس(۱۳۹۵)، کاربرد تسلیحات شیمیایی در جنگ ایران و عراق، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، س ۱۸، ش ۵۲.
 - قربان‌نیا، ناصر(۱۳۹۰)، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، ج ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 - میرمحمد صادقی، حسین(۱۳۹۳)، دادگاه کیفری بین‌المللی، تهران: دادگستر.
 - یکتا، حسین(۱۳۸۴)، بررسی کاربرد تسلیحات شیمیایی، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، س ۴، ش ۳.



دوفصلنامه تخصصی «گفتان حقوقی» / سال نهم / بهار و تابستان ۱۳۹۹